

اصالت نظریه «نزول سوره‌ای» بررسی موردی سوره حج

جواد سلمان زاده^۱

چکیده

یکی از مسائل مطرح در علوم قرآن، چگونگی نزول سوره‌هاست. نظریه نزول سوره‌ای، یکی از دیدگاه‌های مهم در نزول تدریجی قرآن کریم است. این نظریه، دریچه‌ای نو را در تفسیر قرآن گشوده و زمینه فهم مفاهیم بیشتری را فراهم می‌سازد. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، مدارک و مستندات نقلی، عقلی و علمی این نظریه را گردآوری کرده و آن را تحلیل و ارزیابی می‌کند. این مستندات نشان می‌دهد که نظریه نزول سوره‌ای، دیدگاهی درست است. پس از اثبات اصالت این دیدگاه، کیفیت نزول سوره حج به عنوان سوره‌ای چالشی با حجم متوسط، بررسی شده و با ردّ برخی نظرات، نزول یک‌باره این سوره اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی

کیفیت نزول قرآن، وحدت نزول، سبب نزول، سیاق لفظی، تفسیر بنایی، علوم قرآن و حدیث

درآمد

نزول قرآن به دو گونه تدریجی و دفعی واقع شده است. در نزول تدریجی، سه نظریه «آیه به آیه»، «چند آیه چند آیه» و «سوره‌ای» وجود دارد. اعتبار مدارک و مستندات هر یک از این سه دیدگاه محلّ اختلاف است. برخی همانند مرحوم آیت الله معرفت مستندات نزول سوره‌ای

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری.

را برگزیده‌اند^۲ و برخی دیگر با تکیه بر ظواهر روایات، به نظریه نزول آیه به آیه گرایش یافته‌اند. آنها سوره را بسان یک بسته محتوایی هدفمند ندیده و آن را به صورت آیه به آیه تفسیر می‌کنند. بیشتر مفسران بدین روش عمل کرده‌اند.^۳ گروه سوم، هر سوره را به چند بخش تقسیم کرده و نزول چندآیه چندآیه را ترجیح داده‌اند. آنان نیز از تفسیر کلیت سوره باز مانده‌اند. اندکی از مفسران هم گاهی آیات را به صورت دسته‌جمعی یا سوره‌ای تفسیر کرده‌اند؛ بی آن که در همه سوره‌ها بدین روش رفتار کنند.^۴

این نوشتار نظریه «نزول سوره‌ای» را بررسی و ارزیابی می‌کند و درصدد است تا به این پرسش، پاسخ گوید که نزول سوره‌های قرآن کریم به چه کیفیتی بوده است؟ آیا نظریه نزول سوره‌ای، قابل دفاع است؟ آیا سوره‌ای با حجم متوسط همانند سوره حج، نزول یک‌باره داشته یا در قالب چند واحد، نازل شده است؟ روشن شدن ابعاد این نظریه در برخی مسائل دیگر علوم قرآن همچون نظریه آیات مستثنی و نیز اسباب نزول، کمک کرده و روش تفسیر سوره‌ای را تقویت می‌کند.^۵

تاکنون تنها یک مقاله درباره این موضوع، دیده شده^۶ که با عنوان «نگاهی به چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم»^۷ کیفیت نزول سوره‌های قرآن را در سه شکل نزول تدریجی و پیاپی سوره، نزول تدریجی و پراکنده آیات سوره و نزول دفعی سوره محتمل شمرده است. این مقاله با دفاع از نزول سوره‌ای، شبهات ناظر به این شکل از نزول را پاسخ داده و با پذیرش دیدگاه نزول پیاپی سوره‌های قرآن، نزول آیه‌ای را رد می‌کند. تلاش این پژوهش بر آن است تا مستندات این دیدگاه را گردآوری کرده و از روش‌های فقه الحدیثی، تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی، برای استدلال، بهره گیرد. در پایان، کیفیت نزول سوره حج که محل اختلافات بسیاری واقع شده، تحلیل می‌شود.^۸

۲. التمهید، ج ۱، ص ۱۷۰؛ حقایق مهم پیرامون قرآن، ص ۱۱۲؛ درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ص ۳۷ و ۲۵۹ و ۲۶۲ و ۲۶۳؛ نگاهی به چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم، ص ۷.

۳. ن. کنه جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۲۸؛ التبیان، ج ۱۰، ص ۴۳۶؛ الوجیز، ج ۲، ص ۱۲۴۲؛ النکت و العیون، ج ۶، ص ۳۷۳؛ مواهب الرحمن، الجزء ۳۰، ص ۳۳۳.

۴. ن. کنه التفسیر الجدید، ج ۷، ص ۴۳۷.

۵. دانش تفسیر در دوره معاصر، اندکی به تفسیر سوره‌ای روی آورده است. برای نمونه می‌توان روش تفسیرهای المیزان، نمونه، من هدی القرآن، احسن الحدیث، التفسیر الاثری الجامع، من وحی القرآن، الاساس فی التفسیر، التحریر و التتویر و فی ظلال القرآن را دید.

۶. سه پایگاه «اطلاع رسانی کتابخانه های ایران» (lib.ir)، «ایراندک» (irandoc.ac.ir) و «مجلات تخصصی نور» (noormags.ir) با دو کلیدواژه «کیفیت نزول» و «نزول سوره» جستجو شد.

۷. نگاشته محمد خامه‌گر.

۸. ن. کنه اسباب النزول، ص ۳۱۶؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۶۷؛ الاتقان، ج ۱، ص ۶۴.

الف) نزول سوره‌های

نزول سوره‌های قرآن به معنای نزول یک‌باره تک تک سوره‌ها به تدریج و به صورت پیاپی است. در این شکل، هر سوره، یک واحد نزول به حساب می‌آید. این دیدگاه مستندات مختلفی دارد.

۱. مدارک نقلی

این موضوع به جهت ماهیت نقلی و تاریخی‌اش، وابسته به آیات، روایات و تاریخ است. برخی از منقولاتی که این نزول را تأیید می‌کند، عبارت است از:

۱/۱. مدارک قرآنی

آیاتی چند از قرآن کریم بر نزول سوره‌های دلالت دارد که فهرست آن چنین است:

- يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ.^۹
- وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ ...^{۱۰}
- وَإِذَا مَا أَنْزَلْتَ سُورَةً ...^{۱۱}
- وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَاذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً مُحْكَمَةً ...^{۱۲}
- سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.^{۱۳}
- أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ ...^{۱۴}

نسبت «انزال» قرآن به واژه «سوره» یا «سور» در این آیات و برقراری رابطه هم‌نشینی میان این دو واژه، نشان‌گر نزول تدریجی قرآن به شکل سوره سوره است. در میان این آیات، آیات یکم و چهارم، امکان نزول سوره‌های را مطرح کرده و آیات دیگر، نزول قرآن به شکل سوره به سوره را روی دادی واقعی می‌شمارند. گزینه دیگر بر نزولی این چنین، کاربردهای واژه «انزال» در قرآن کریم است. برخی از این کاربردها افزون بر آن چه در آیات پیشین، آمد، چنین است:

-
۹. منافقان بیم دارند از این که مبدا سوره‌های درباره آنان نازل شود. (التوبة، ۶۴)
 ۱۰. و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید ... (التوبة، ۸۶)
 ۱۱. و چون سوره‌ای نازل شود ... (التوبة، ۱۲۴ و ۱۲۷)
 ۱۲. و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای درباره جهاد نازل نمی‌شود؟» اما چون سوره‌ای صریح نازل شد ... (محمد، ۲۰)
 ۱۳. این سوره‌ای است که آن را نازل و آن را فرض گردانیدیم و در آن آیاتی روشن فرو فرستادیم؛ باشد که شما پند پذیرید. (التور، ۱)
 ۱۴. یا می‌گویند: «این قرآن را به دروغ ساخته است.» بگو: اگر راست می‌گویند، ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید. (هود، ۱۳)

- اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.^{۱۵}
- اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ اِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ.^{۱۶}
- شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ.^{۱۷}
- وَ قَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ.^{۱۸}
- وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ.^{۱۹}
- وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ.^{۲۰}
- لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ.^{۲۱}
- وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ أَنْ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ.^{۲۲}

کاربرد واژه «انزال» نشان می‌دهد که هر بار سخن از کیفیت نزول قرآن باشد تنها نزول سوره، آیات و نزول کل قرآن مراد است و هیچ‌گاه تعبیر نزول آیه به کار نرفته است. از این آیات برمی‌آید که کوچک‌ترین واحد نزول در قرآن، سوره یا دسته‌ای از آیات می‌باشد.

ناگفته نماند که از نزول آیه در برخی از آیات قرآن چون یونس ۲۰، بقره ۱۰۶ و ۱۱۸، انعام ۴ و ۲۵ و ۳۷ و ۱۰۹ و نحل ۱۰۱ سخن به میان آمده است؛ ولی مراد از آیه در آن‌ها، معنای اصطلاحی آیه نبوده است و یا این که مستلزم نزول قرآن به صورت آیه به آیه نیست. در این آیات، واژه آیه به معنای نشانه و معجزه آمده و یا ارتباطی با کیفیت نزول ندارد؛ مثلاً در آیه «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا»^{۲۳} هر چند «آیة» به معنای اصطلاحی به کار رفته ولی موضوع آن نسخ آیات است، نه کیفیت نزول.

۱۵. ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (القدر، ۱)

۱۶. ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، زیرا که ما هشداردهنده بودیم. (الدخان، ۳)

۱۷. ماه رمضان همان ماه است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است. (البقرة، ۱۸۵)

۱۸. و همانا فرستادیم آیت‌هایی روشن. (المجادلة، ۵)

۱۹. و همانا فرستادیم به سوی تو نشانی‌های تابناک. (البقرة، ۹۹)

۲۰. و قطعاً به سوی شما آیاتی روشن‌تر فرود آورده‌ایم. (النور، ۳۴)

۲۱. قطعاً آیاتی روشن‌تر فرود آورده‌ایم. (النور، ۴۶)

۲۲. و بدین‌گونه قرآن را به صورت آیاتی روشن‌تر نازل کردیم. (الحج، ۱۶)

۲۳. هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به دست فراموشی بسپاریم، بهتر از آن یا ماندنش را می‌آوریم. (البقرة، ۱۰۶)

بنابراین شکل اصلی نزول سوره، حالت یکباره است که گزارش قطعی الصدور قرآن از گونه نزول آیاتش، محکم‌ترین دلیل بر آن می‌باشد.

۲/۱. مدارک روایی

در بین روایات، اخباری دیده می‌شود که نزول یکباره هر سوره را گزارش می‌کند. برخی از این روایات چنین است:

- عَنْ الْمَسُورِ بْنِ مَخْرَمَةَ وَ مِرْوَانَ بْنِ الْحَكَمِ قَالَا: نَزِلَتْ سُورَةُ الْفَتْحِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ فِي شَأْنِ الْحُدَيْبِيَّةِ، مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا.^{۲۴}

این روایت با بیان شأن نزول سوره فتح، آن را یک واحد نزول معرفی کرده که از آغاز تا پایانش یکباره بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ قَالَ: فَعَدْنَا نَفْرًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَتَذَاكَرْنَا وَ قُلْنَا: لَوْ نَعَلِمُ أَىَّ الْأَعْمَالِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَمَلْنَاهُ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» إِلَى قَوْلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّصُونَ.» إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.^{۲۵}

این روایت، نزول سوره صف را یکباره دانسته^{۲۶} و نیز به آیه میانی این سوره که به جهاد اشاره دارد، به عنوان محبوب‌ترین عمل نزد خدا پرداخته است.

روایات دیگری از نزول یکباره سوره‌های عادیات،^{۲۷} کوثر،^{۲۸} کافرون،^{۲۹} نصر،^{۳۰} مسد^{۳۱} و توحید^{۳۲} سخن گفته‌اند.

۲۴. از مسور بن مخرمه و مروان حکم نقل شده که گفتند: سوره فتح از آغاز تا پایانش بین مکه و مدینه و در شأن حدیبیه نازل شد. (اسباب النزول، ص ۳۹۷)

۲۵. از عبد الله بن سلام نقل شده که با گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ نشسته بودیم و می‌گفتیم: اگر می‌دانستیم که کدام عمل نزد خدا دوست‌داشتنی‌تر است، همان را انجام می‌دادیم. پس از این سخنان بود که خداوند «سَبِّحْ لِلَّهِ...» تا آخر سوره را نازل کرد. (همان، ص ۴۴۶)

۲۶. ن. کذ لاتقان، ج ۱، ص ۶۶.

۲۷. ن. کذ اسباب النزول، ص ۴۸۹.

۲۸. ن. کذ همان، ص ۴۹۴؛ الاتقان، ج ۱، ص ۷۰.

۲۹. ن. کذ اسباب النزول، ص ۴۹۶.

۳۰. ن. کذ همان، ص ۴۹۷.

۳۱. ن. کذ همان، ص ۴۹۸.

۳۲. ن. کذ همان، ص ۵۰۰، الاتقان، ج ۱، ص ۷۰.

این روایات نشان می‌دهد که نزول سوره‌ای دست کم یکی از اشکال پرتکرار نزول تدریجی قرآن بوده است.

۲. مدارک عقلی و علمی

نظریه نزول سوره‌ای، با مدارک عقلی و علمی نیز پشتیبانی می‌شود. برخی از معقولات و معلومات که این نظریه را تأیید می‌کند، چنین است:

۱/۲. سازگاری با تعریف لغوی سوره

یکی از معانی لغوی واژه سوره، «دیوار» و «حصار شهر» است.^{۳۳} از لوازم هر دیوار و حصار، گستره و فراگیری است؛ به‌گونه‌ای که منطقه تحت سلطه خود را پوشش دهد. با توجه به این معنا، سوره باید دارای فراگیری معنادار و هدفمند باشد. همان‌گونه که درون یک حصار، مجموعه‌ای از عناصر مرتبط و وابسته وجود دارد، درون یک سوره نیز مجموعه‌ای از مضامین مرتبط و متحد قرار می‌گیرد.^{۳۴} بنابراین سوره یک مجموعه به هم پیوسته بوده و این پیوستگی، مستلزم نزول یک‌باره آن آن است. چه این که نزول پراکنده، موجب ناپیوستگی است.

۲/۲. سازگاری با تعریف اصطلاحی سوره

سوره مصطلحی مشهور در علوم قرآنی است و به گروهی از آیه‌ها گفته می‌شود که میان دو «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» و از پی هم آمده باشند.^{۳۵} یکی از لوازم چنین تعریفی آن است که آیات به صورت یک‌باره یا پیاپی و در گستره نزول دو بسمله نازل شوند. بدین ترتیب که همراه با نزول بسمله سوره، همه آیات سوره یا بسته‌ای از آیات نازل شوند و در صورت نزول بسته‌ای از آیات، آیه‌های پسین در پی بسته نخست با فاصله‌ای اندک نزول یابند. در این گونه نزول، فرود بسته‌های سوره تا رسیدن به بسمله بعدی ادامه دارد. این اصطلاح، بیان‌گر نزول سوره‌های قرآن به صورت یک‌باره یا تدریجی پیاپی بوده و هر دو گونه نزول را تأیید می‌کند. در این میان دو سوره توبه و نمل از استثنائات تعریف بوده و دلایل و نشانه‌های کافی برای تشخیص سوره‌بودن توبه و دو سوره نبودن نمل وجود دارد.^{۳۶}

۳۳. ن. کذ العین، ج ۷، ص ۲۸۹؛ تاج اللغة، ج ۲، ص ۶۹۰؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۲۸۵.

۳۴. ن. کذ انسجام قرآن، ص ۷۲.

۳۵. تاریخ قرآن، ص ۵۷۷.

۳۶. ن. کذ بررسی مبانی و روش کشف فضای نزول، ص ۲۹.

۳/۲. سازگاری با اصول عرفی محاوره

بنا بر نظریه هدف‌مندی سوره‌های قرآن،^{۳۷} هر سوره، گروهی از آیات به هم پیوسته و مرتبط است که غرض و پیام ویژه‌ای را دنبال می‌کند. از این رو برخی از قرآن‌پژوهان، هر سوره را معجزه الهی دانسته و آن را یک بسته مستقل قلمداد کرده‌اند. در حالی که یک آیه به تنهایی این شأن و استقلال را ندارد.^{۳۸}

پیوستگی آیات هر سوره و دنبال کردن پیام خاص هر سوره، مستلزم این اصل عرفی محاوره است که متکلم، همه کلامش را یکباره، بی‌وقفه و یا پیاپی به مخاطب برساند تا غرض مطلوب حاصل شود.^{۳۹}

انسجام و هماهنگی آیات در بسیاری از سوره‌های قرآن، نزول یک‌پارچه یا پیاپی سوره را نشان داده و وقوع این شکل نزول را بیش از هر شکل دیگری تأیید و تقویت می‌کند. چنان‌که شماری از مفسران، بدین نکته توجه کرده و در آغاز هر سوره، ارتباط و پیوستگی آیات را از آغاز تا پایان به صورت فشرده نشان داده‌اند. مثلاً تفسیر «من وحی القرآن» در آغاز هر سوره، گفتارهایی با عنوان «فی اجواء السورة»، «مدخل عام»، «جولة فی آفاق السورة»، «فی آفاق السورة»، «مواضيع السورة»، «موضوع السورة»، «سبب التسمية» و از این دست آورده و ارتباط و پیوستگی آیات سوره را در ضمن این گفتارها نشان می‌دهد. همچنین تفسیر «من هدی القرآن» در آغاز هر سوره، گفتاری را با عنوان «الاطار العام» باز کرده و ارتباط و پیوستگی آیات آن سوره را نشان داده است. این گفتارها در کتابی جداگانه با عنوان «وحدت درونی سوره‌های قرآن» گردآوری و به زبان فارسی برگردانده و توسط بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی چاپ شده است. «المیزان فی تفسیر القرآن» نیز گفتاری را با عنوان «بیان» در آغاز هر سوره دارد و ارتباط و پیوستگی آیات آن سوره را به صورت فشرده نشان می‌دهد.

مدارک و مستندات یادشده، نظریه نزول سوره‌ای را تأیید کرده و این قالب را به عنوان اصلی‌ترین شکل نزول سوره‌های قرآن معرفی می‌کند.

۳۷. نظریه هدف‌مندی سوره بر مبانی قرآنی، روایی و عقلی استوار است و بر آن است که هر سوره قرآن دارای یک غرض و هدف بوده و بر پایه همین غرض، طراحی شده است. از این رو همه واژگان و آیات آن به هم پیوسته و مرتبط می‌باشند. (ن. کذ فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۵۵۵)

۳۸. ن. کذ الاتقان، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳۹. ن. کذ المیزان، ج ۱، ص ۱۶.

ب) کیفیت نزول سوره حج

با توجه به آن چه در بخش پیشین گذشت، اکنون یک نمونه بررسی می‌شود. کیفیت نزول سوره حج مورد اختلاف بوده و روایات مختلفی درباره آن نقل شده است. بررسی کیفیت نزول سوره، در یک فرآیند سه مرحله‌ای انجام می‌شود. این فرآیند بر پایه نظریه نزول سوره‌ای استوار بوده که بر اساس آن غالب سوره‌های قرآن از نزول یکباره یا پیاپی برخوردارند. بدین معنا که یا یکباره نازل شدند و یا در چند واحد نزول پیاپی، نزول یافتند. در این فرآیند، نخست تناسب و انسجام لفظی آیات سوره بررسی می‌شود. سپس دلالت ابزارهای دال بر وحدت نزول سوره یعنی روایات ترتیب نزول، روایات سبب نزول، روایات مکی یا مدنی بودن و تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله سوم، موانع وحدت نزول سوره به بحث گذاشته می‌شود.

۱. تناسب و انسجام لفظی

چنانچه تناسب لفظی سوره ثابت شود، می‌توان ادعا کرد که این سوره قابلیت نزول یکباره را داراست. انسجام لفظی سوره حج را می‌توان چنین گزارش کرد:

| آیه | رابط |
|---|--|
| محور یکم: آیات یکم تا بیست و چهارم | - برگشت ضمیر «ها» در آیه دوم به واژه «زلزله» در آیه نخست - حرف عاطفه واو در آیه سوم - برگشت ضمیر «ه» در آیه چهارم به واژه «شیطان» در آیه سوم - تکرار اسلوب «یا ایها الناس» در آیه پنجم - آیات شش و هفت با ضمیر اشاره «ذلک» و حرف عاطفه «واو» به آیه قبلشان می‌پیوندند - حرف عاطفه «واو» و تکرار اسلوب «من الناس» در آیه هشتم - در آیه نهم، واژه «ثانی» حال از واژه «مَن» است - ضمیر اشاره «ذلک» در آیه دهم - تکرار اسلوب «من الناس» در آیه یازدهم - برگشت ضمیر مستتر «هو» در فعل «یدعو» در آیه دوازدهم و سیزدهم به اسم موصول «من» در آیه یازدهم - در آیه چهاردهم، واژه «الله» با اسم موصول «ما» و «من» در آیات دوازدهم و سیزدهم ارتباط تقابلی برقرار می‌کند - تکرار اسم موصول «من» در آیه پانزدهم |

| | |
|--|--|
| <p>- حرف عاطفه «واو» در آیه شانزدهم</p> <p>- تکرار عبارت «الَّذین آمنوا» و جایگزینی عبارت «الَّذین اشرکوا» به جای عبارت «من یجادل» در آیه هفدهم</p> <p>- همین دو مفهوم در آیه هجدهم با عبارت «کثیر من النَّاس» به جای «الَّذین آمنوا» و عبارت «کثیر حقّ علیه العذاب» به جای «الَّذین اشرکوا» مورد اشاره قرار گرفته</p> <p>- در آیه نوزدهم، همین دو گروه با اسم اشاره «هذان» ظاهر می‌شوند.</p> <p>- برگشت ضمیر «ه» در آیه بیستم به واژه «حمیم»</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیه بیست و یکم</p> <p>- ضمیر فاعلی «واو» در آیه بیست و دوم</p> <p>- تکرار عبارت «الَّذین آمنوا» در آیه بیست و سوم</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیه بیست و چهارم</p> | |
| <p>- جایگزینی عبارت «الَّذین کفروا» به جای «الَّذین اشرکوا» در آیه بیست و پنجم</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم</p> <p>- برگشت ضمیر فاعلی «واو» در آیه بیست و هشتم به واژه «ناس» در آیه پیشین</p> <p>- حرف عاطفه «ثم» در آیه بیست و نهم</p> <p>- برگشت اسم اشاره «ذلک» در آیه سی‌ام به احکام حج در آیات پیشین</p> <p>- برگشت واژه «حنفاء» به ضمیر «واو» به عنوان ذو الحال در آیه سی‌ام</p> <p>- برگشت اسم اشاره «ذلک» در آیه سی و دوم به احکام حج در آیات پیشین و تکرار اسلوب «ذلک و من یعظم»</p> <p>- برگشت ضمیر «ها» در آیه سی و سوم به واژه «شعائر» در آیه پیشین</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیات سی و چهارم و سی و ششم</p> <p>- صفت بودن «الَّذین» در آیه سی و پنجم برای «مخبتین» در آیه پیشین</p> <p>- برگشت ضمیر «ها» در آیه سی و هفتم به «بُدن» در آیه پیشین</p> <p>- جایگزینی «الَّذین آمنوا» در آیه سی و هشتم به جای «محسنین» در آیه پیشین</p> | <p>محور دوم: آیات بیست و پنجم تا چهل و یکم</p> |

| | |
|--|--|
| <p>- جایگزینی «الذین یقاتلون» در آیه سی و نهم به جای «الذین آمنوا» در آیه پیشین</p> <p>- تکرار موصول «الذین» در آیات چهل و چهارم و چهل و یکم</p> | |
| <p>- حروف عاطفه «واو» و «فاء» در آیات چهل و دوم تا چهل و هشتم</p> <p>- برگشت ضمیر «کم» در آیه چهل و نهم به ضمیر فاعلی «واو» در آیات پیشین</p> <p>- حروف عاطفه «فاء» و «واو» در آیات پنجاهم و پنجاه و یکم</p> | <p>محور سوم: آیات چهل و دوم تا پنجاه و یکم</p> |
| <p>- حرف عاطفه «واو» در آیات پنجاه و دوم، پنجاه و چهارم، پنجاه و پنجم، پنجاه و هفتم، پنجاه و هشتم و شصت و ششم</p> <p>- تکرار «ما یلقى الشیطان» در آیه پنجاه و سوم</p> <p>- برگشت «یومئذ» در آیه پنجاه و ششم به «ساعة» در آیه پیشین</p> <p>- برگشت ضمیر «هم» در آیه پنجاه و نهم به «الذین» در آیه پیشین</p> <p>- برگشت اسم اشاره «ذلک» در آیات شصت تا شصت و دوم به آیات پیشین</p> <p>تکرار «الله» در آیه شصت و سوم</p> <p>- برگشت ضمیر «ه» در آیه شصت و چهارم به «الله» در آیه پیشین</p> <p>- تکرار اسلوب «الم تر انّ الله» در آیه شصت و پنجم</p> <p>- برگشت ضمیر فاعلی «واو» در آیه شصت و هفتم به «الذین کفروا» در آیات پیشین</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیات شصت و هشتم، هفتاد و یکم و هفتاد و دوم</p> <p>- تکرار «الله» در آیات شصت و نهم و هفتادم</p> <p>- برگشت ضمیر «واو» در «تدعون» و «قدروا» در آیات هفتاد و سوم و هفتاد و چهارم به «الذین کفروا» در آیه پیشین</p> | <p>محور چهارم: آیات پنجاه و دوم تا هفتاد و چهارم</p> |
| <p>- تکرار «الله» در آیات هفتاد و پنجم و هفتاد و ششم</p> <p>- جایگزینی «رب» بجای «الله» در آیه هفتاد و هفتم</p> <p>- حرف عاطفه «واو» در آیه هفتاد و هشتم</p> | <p>محور پنجم: آیات هفتاد و پنجم تا هفتاد و هشتم</p> |

با اثبات انسجام لفظی سوره از آغاز تا پایان، امکان قول به وحدت نزول سوره حج فراهم می شود.

۲. گزارش‌های دال بر وحدت نزول

با اثبات امکان وحدت نزول سوره حج، نوبت به اثبات وقوعی وحدت نزول می‌رسد. در میان اخبار دال بر نزول تدریجی قرآن، چند خبر نقل شده است که بر نزول یکباره سوره حج دلالت دارد.

۴۰ - قَالَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: نَزَلَتْ سُورَةُ الْحَجِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ فِي مَسِيرٍ لَهُ وَ أَصْحَابُهُ مُتَبَدِّدُونَ، فَرَفَعَ بِهَا صَوْتَهُ، فَنَادَى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ ... شَدِيدٌ...»^{۴۰}

۴۱ - عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: نَزَلَتْ سُورَةُ الْحَجِّ بِالْمَدِينَةِ.^{۴۱}

۴۲ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: نَزَلَتْ بِالْمَدِينَةِ سُورَةُ الْحَجِّ.^{۴۲}

این سه خبر، ماجرای نزول سوره حج را با تعبیر «نُزِلَتْ سُورَةُ الْحَجِّ» گزارش کرده‌اند. این تعبیر نشان می‌دهد که سوره حج یکباره نازل شده است. افزون بر این گزارش‌ها، روایات ترتیب نزول هم نزول سوره حج را بسان دیگر سوره‌ها به صورت یکباره نقل کرده است.

۳. موانع وحدت نزول

در میان روایات، اخباری نقل شده که حاکی از نزول پراکنده سوره حج است.

۴۳ - قَالَ الْمُفَسِّرُونَ^{۴۳} نَزَلَتْ فِي أَعْرَابٍ كَانُوا يَقْدُمُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الْمَدِينَةَ، مَهَاجِرُونَ مِنْ بَادِيَتِهِمْ، وَ كَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا قَدِمَ الْمَدِينَةَ فَإِنْ صَحَّ بِهَا جِسْمُهُ وَ تَنَجَّتْ فَرَسُهُ مُهْرًا حَسَنًا وَ وُلِدَتْ إِمْرَأَتُهُ عَلَامًا وَ كَثُرَ مَالُهُ وَ مَا شِئْتُهُ رَضِيَ عَنْهُ وَ اطمَنَّ وَ قَالَ: مَا أَصَبْتُ مُنْذُ دَخَلْتُ فِي دِينِي هَذَا إِلَّا خَيْرًا، وَ إِنْ أَصَابَهُ وَجِعُ الْمَدِينَةِ وَ وُلِدَتْ إِمْرَأَتُهُ جَارِيَةً وَ أَجْهَضَتْ رِمَاكُهُ وَ دَهَبَ مَالُهُ وَ تَأَخَّرَتْ عَنْهُ الصَّدَقَةُ أَتَاهُ الشَّيْطَانُ فَقَالَ: وَ اللَّهُ مَا أَصَبْتُ مُنْذُ كُنْتُ عَلَى دِينِكَ هَذَا إِلَّا شَرًّا، فَيَنْقَلِبُ عَنْ دِينِهِ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ»^{۴۴} آيَةٌ. ۴۴

۴۰. انس بن مالک می‌گوید: سوره حج در راه بر پیامبر ﷺ نازل شد در حالی که اصحاب ایشان در حال رفت و آمد بودند. پس

از نزول، پیامبر صدایش را بلند کرد و سوره را تلاوت نمود. (الهدایة، ج ۷، ص ۴۸۳۳)

۴۱. از ابن عباس نقل شده که سوره حج در مدینه نازل شد. (الذّر المنثور، ج ۴، ص ۳۴۲)

۴۲. از عبد الله بن زبیر نقل شده که سوره حج در مدینه نازل شد. (همان، ص ۳۴۲)

۴۳. مفسرانی که برای نخستین بار، این روایت را گزارش کرده‌اند، عبارتند از: الکشف و البیان، ج ۷، ص ۹؛ الهدایة، ج ۷، ص ۴۸۵۱.

۴۴. مفسران می‌گویند: آیه یازدهم سوره حج، درباره اعرابی نازل شد که از بیابان به مدینه، نزد پیامبر ﷺ آمدند و ایمان آوردند.

حال، اگر یکی از آنها در مدینه سلامتی جسمی می‌یافت و اسبش، فرزند بزرگ زیبایی می‌زایید و همسرش، پسر به دنیا می‌آورد و مالش زیاد می‌شد و گوسفندانش فزونی می‌یافت، از پیامبر خشنود می‌شد و به دین مطمئن می‌گشت و می‌گفت: از وقتی که وارد این دین شدم، جز خیر ندیدم. حال، اگر کسی در مدینه دچار بیماری می‌شد و همسرش، دختر می‌زایید و حیواناتش بی‌فرزند می‌شدند و مالش از دست می‌رفت و کمک به او دیر می‌شد، شیطان به سراغش می‌رفت و می‌گفت: به خدا سوگند، از زمانی که وارد این دین شدمی جز شر ندیدی. در نتیجه، او از دینش باز می‌گشت. در این آیات بود که خدا این آیه را نازل کرد. (اسباب النزول، ص ۳۱۶)

این خبر، سبب نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.»^{۴۵} را گزارش می‌کند. از ظاهر خبر برمی‌آید که این آیه به صورت جداگانه نازل شده و نزول جداگانه آن مستلزم عدم نزول یکباره سوره است.

خبر یادشده بدون سند و به نقل از مفسران آمده است. فقدان سند، ضعف بزرگی برای آن محسوب شده و احتمال اجتهادی‌بودنش را افزون می‌کند. بررسی متن خبر، این احتمال را تأیید می‌کند. تعبیر «قَالَ الْمُفَسِّرُونَ: نَزَلَتْ فِي أَعْرَابٍ» در آغاز خبر و پیش از نقل ماجرای سبب نزول، نشان می‌دهد که پای اجتهاد مفسر در میان است^{۴۶} و نمی‌توان آن را روایت سبب نزول دانست؛^{۴۷} بلکه مفسری به اجتهاد خود، ماجرای اعراب بادیه‌نشین را بر این آیه تطبیق داده است؛ زیرا این ماجرا و آیه مذکور به جهت محتوایی به هم نزدیک و با هم سازگار بوده‌اند. شایان گفتن است که این خبر با متن دیگری نیز گزارش شده^{۴۸} که از اضطراب متنی آن حکایت می‌کند.

بنابراین خبر یادشده، تنها در صدد بیان گزارشی از جامعه صدر اسلام است که گروهی از بادیه‌نشینان در فوران نعمت، اسلام می‌آورند و در کوران نعمت، دست از اسلام می‌کشند. این وضعیت آنها با آن چه در آیه مورد بحث آمده، قابل تطبیق است، بی آن که خبر به کیفیت نزول آیه، توجهی داشته باشد. چنان که پیوستگی لفظی آیه با آیات پیشین و پسین نزول جداگانه این آیه را رد می‌کند.

– تَقَدَّمَ مِنْ طَرِيقِ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّهُا مَكِّيَّةٌ إِلَّا الْآيَاتِ الَّتِي اسْتَثْنَاهَا.^{۴۹}

این خبر، سوره حج را مکی شمرده و چند آیه از آن را مدنی اعلام می‌کند. جدای از مکی یا مدنی بودن سوره، نزول بخشی از سوره در مکه و چندی از آن در مدینه، مستلزم نزول پراکنده است. آیات مستثنای سوره حج کدامند که جدای از دیگر آیات نازل شده‌اند؟ در میان اخبار، سه آیه ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مدنی شمرده شده و نزول بقیه آیات در مکه اعلام شده است.^{۵۰}

بررسی سندی این خبر، نشان می‌دهد که با سندی مرسل و معلق از ابن عباس به صورت موقوف نقل شده است. برخی از قرآن‌پژوهان هم سند این خبر را غریب دانسته‌اند.^{۵۱} از این رو احتمال

۴۵. و از میان مردم، کسی است که خدا را فقط بر یک حال و بدون عمل می‌پرستد. پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد، و چون بلائی بدو رسد روی برتابد. در دنیا و آخرت زیان دیده است. این است همان زیان آشکار.

۴۶. ن. که البرهان، ج ۱، ص ۱۲۶.

۴۷. ن. که اسباب النزول القرآنی، ص ۸۵.

۴۸. ن. که اسباب النزول، ص ۳۱۶.

۴۹. از مجاهد از ابن عباس نقل شده که سوره حج مکی است، مگر آیاتی که خود وی آن را استثنا کرده است. (الاتقان، ج ۱، ص ۶۴)

۵۰. ن. که همان، ص ۵۷.

۵۱. التمهید، ج ۱، ص ۲۳۳.

اجتهادی بودن محتوای آن وجود دارد. این احتمال نسبت به بسیاری از روایات مرتبط با علوم قرآنی که به صورت مقطوع یا موقوف رسیده، مطرح می‌شود. آیات مورد بحث در این خبر عبارتند از:

هٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمَا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ
ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ. يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي
بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ. وَ لَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ.^{۵۲}

این آیات از وسط سوره حج برش خورده و نزول آنها جدای از دیگر آیات، شمرده شده است. در حالی که با آیات مجاورشان پیوستگی و بلکه وابستگی لفظی دارند و بیشتر، این وابستگی در جدول، گزارش شد. همین پیوستگی و وابستگی با آیات مجاور است که برخی از قرآن پژوهان را بر آن داشته تا از استثنا بودن آیات نوزدهم تا بیست و چهارم سخن بگویند نه آیات نوزدهم تا بیست و یکم؛ زیرا بین این آیات ارتباط محکمی وجود دارد که امکان جدایی آنها از یکدیگر منتفی می‌سازد.^{۵۳} در حقیقت، خبر یادشده نه تنها از ضعف سندی رنج می‌برد که فراتر از آن، متن خبر، آیاتی را استثنا کرده که پیوستگی محکم و جدانشدنی با آیات مجاور دارند.

- أَبَادَرٍ يَقُولُ: أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَنَزَلَتْ هٰذِهِ الْآيَةُ: هٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمَا فِي رَبِّهِمْ فِي هٰؤُلَاءِ السَّنَةِ: حَمْرَةَ وَ عُبَيْدَةَ وَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ عُبَيْتَةَ وَ شَيْبَةَ وَ الْوَلِيدَ بْنَ عُبَيْتَةَ.^{۵۴}

این خبر، آیه «هٰذَانِ خَصْمَانِ...» را به پیش‌قراولان سپاه اسلام و سپاه کفر در غزوه بدر نسبت می‌دهد. تعبیر «لَنَزَلَتْ هٰذِهِ الْآيَةُ» مفید این معناست که آیه مورد بحث به تنهایی نازل شده است. این خبر از ابوذر، صحابه وفادار پیامبر ﷺ نقل شده و به پیامبر ﷺ نمی‌رسد، بنابراین موقوف است. گویا ابوذر، تعبیر «لنزلت هذه الآية» را در آغاز خبر آورده؛ بی آن که نخست ماجرای را به عنوان سبب نزول، ذکر کند. بنابراین خبر یادشده احتمالاً سبب نزول نبوده^{۵۵} و تنها یک گزاره اجتهادی از مفسران صدر اسلام درباره آیه مورد بحث است.^{۵۶} گویی ابوذر با مطالعه آیه «هٰذَانِ خَصْمَانِ...»

۵۲. این دو گروه، دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم ستیزه می‌کنند و کسانی که کفر ورزیدند، جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است و از بالای سرشان آب جوشان ریخته می‌شود. آن چه در شکم آنهاست با پوست بدنشان بدان گذاخته می‌گردد. و برای وارد کردن ضربت بر سر آنان گرزهایی آهنین است. (الحج، ۱۹ - ۲۱)

۵۳. التمهید، ج ۱، ص ۲۳۳.

۵۴. ابوذر می‌گوید: «به خدا سوگند که این آیه ... درباره این شش نفر نازل شد: ...» (اسباب النزول، ص ۳۱۷)

۵۵. ن. که اسباب النزول القرآنی، ص ۸۵.

۵۶. ن. که البرهان، ج ۱، ص ۱۲۶.

به یاد صحنه پیکار پیش‌قراولان سپاه اسلام و لشکر کفر در غزوه بدر افتاده و آنها را به عنوان مصادیق بارز دو خصم، دیده و آیه را بر آنها تطبیق داده است.

همین خبر از طریق دیگری از امیر مؤمنان علیه السلام نیز نقل شده^{۵۷} که در آن نیز تعبیر «فینا نُزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ» احتمال تفسیری بودن خبر را پررنگ می‌سازد؛ بی آن که به کیفیت نزول، ارتباطی پیدا کند. این فرض، زمانی تقویت می‌شود که در خبری دیگری، ماجرای مشاجره اهل کتاب و مؤمنان به عنوان سبب نزول آیه معرفی می‌گردد.^{۵۸}

یادکرد چند ماجرا به عنوان سبب نزول، نشان می‌دهد که بین نزول آیه و وقوع ماجراهای مذکور، فاصله زمانی قابل توجهی بوده است. زیرا لازم است که نخست هر دو ماجرا اتفاق بیفتند؛ آن گاه آیه مورد بحث نازل شود. در حالی که بین ماجرای سبب نزول و نزول آیه، فاصله زمانی وجود ندارد و یا فاصله زمانی، بسیار اندک است تا مخاطبان اولیه نزول قرآن، متوجه ارتباط میان نزول آیه و آن ماجرا بشوند. بنابراین دلیل کافی بر نزول جداگانه آیه نوزدهم در دست نیست و ارتباط لفظی این آیه با آیات پیش از خود، حکایت از وحدت نزول دارد.

- حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَارِثِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَهُوَ بِمَكَّةَ قَرَأَ سُورَةَ «النَّجْمِ» فَلَمَّا بَلَغَ «أَفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» قَالَ: إِنَّ شَفَاعَتَهُنَّ تُرْتَجَىٰ وَ سَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَفَرَحَ الْمُشْرِكُونَ بِذَلِكَ. فَقَالَ: أَلَا إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ حَتَّىٰ بَلَغَ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ.»^{۵۹}

این خبر، آیات پنجاه و دوم تا پنجاه و پنجم را به ماجرای «غرانیق» نسبت داده و نزول آن را در مکه شمرده است. آیات مورد بحث چنین است:

وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى □ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ

۵۷. ن. که اسباب النزول، ص ۳۱۷.

۵۸. ن. که همان، ص ۳۱۸.

۵۹. ابوبکر بن عبد الرحمن می‌گوید: وقتی پیامبر صلى الله عليه وآله در مکه بودند، سوره نجم را می‌خواندند. وقتی به آیه «أَفْرَأَيْتُم...» رسیدند، اضافه کردند: «شفاعت این بت‌ها مورد امید است.» ایشان مرتکب سهو شدند و مشرکان خوشحال گشتند. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: «بدانید که این از شیطان بود.» سپس خداوند این آیات را نازل کرد: «وَ مَا أَرْسَلْنَا...» (الزَّالِمُونَ، ج ۴، ص ۳۶۷)

وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ. وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَ لَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ.^{٦٠}

سند این خبر در طبقه صحابه، افتادگی دارد. ابوبکر بن عبد الرحمن تابعی است و در دوره خلافت عمر به دنیا آمده^{٦١} و نمی‌تواند از پیامبر ﷺ روایت کند. در روایات سبب نزول، ناقل باید خود، در صحنه نزول حاضر بوده باشد.^{٦٢}

بررسی متنی این خبر، متوقف بر پاسخ به دو پرسش است. یکی درستی یا نادرستی ماجرای «غرانیق» و دیگری ارتباط این گروه از آیات با یکدیگر. درباره ماجرای «غرانیق» پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. این ماجرا از دروغ‌های بزرگی است که با دلایل گوناگون عقلی و نقلی رد می‌شود. از همین رو برخی از قرآن‌پژوهان آن را افسانه‌ای علیه قرآن و پیامبر ﷺ دانسته‌اند.^{٦٣}

ناراستی ماجرای غرانیق، صحت خبر مذکور را خدشه‌دار می‌کند؛ زیرا اساساً چنین ماجرای در تاریخ، روی نداده تا آیات مورد بحث پس از آن نازل شده باشد.

نکته دیگر آن است که اگرچه آیات مورد بحث، به جهت معنایی، یک بسته مستقل هستند؛ اما در وسط سوره قرار گرفته و با حرف عاطفه «واو» به آیات پیشین، پیوند خورده‌اند.^{٦٤} همچنین این

٦٠. و پیش از تو نیز هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز این که هرگاه چیزی تلاوت می‌نمود، شیطان در تلاوتش القای شبهه می‌کرد. پس خدا آن چه را شیطان القا می‌کرد، محو می‌گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت و خدا دانای حکیم است. تا آن چه را که شیطان القا می‌کند، برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و نیز برای سنگ‌دلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه‌ای بس دور و درازند. و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این قرآن، حق است و از جانب پروردگار توست و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سوی راهی راست راهبر است. ولی کسانی که کفر ورزیده‌اند، همواره از آن در تردیدند، تا به ناگاه، قیامت برای آنان فرا رسد یا عذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید. (الحج، ٥٢ - ٥٥)

٦١. ن. ک: معرفة الثقات، ج ٢، ص ٣٨٩؛ الطبقات الكبرى، ج ٥، ص ٢٠٧.

٦٢. علوم قرآنی، ص ١٠٥.

٦٣. التمهید، ج ١، ص ٢٣٤.

٦٤. ن. ک: التحرير و التنوير، ج ١٧، ص ٢١٤.

آیات با آیات بعدشان نیز پیوند دارند. ضعف سندی خبر یادشده و کذب متنی آن، اعتبارش را مردود می‌کند.

- قَالَ الْمُفَسِّرُونَ: ^{٦٥} كَانَ مُشْرِكُو أَهْلِ مَكَّةَ يُؤْذُونَ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَلَا يَزَالُونَ يَجِيئُونَ مِنْ بَيْنِ مَضْرُوبٍ وَ مَشْجُوجٍ، فَشَكَّوهُمْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. فَيَقُولُ لَهُمْ: اصْبِرُوا فَإِنِّي لَمْ أَوْمَرَ بِالْقِتَالِ، حَتَّىٰ هَاجَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ هَذِهِ الْآيَةَ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا...» آيَةٌ ٦٦.

این خبر، ظاهراً سبب نزول آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ...» را بیان می‌کند. تعبیر «أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ هَذِهِ الْآيَةَ» القا می‌کند که آیه مورد بحث به تنهایی نازل شده است.

این گزارش، بدون سند از مفسران نقل شده و نشان‌دهنده اجتهادی بودن آن است. متن خبر، بیان می‌کند که مشرکان مکه، صحابه پیامبر ﷺ را آزار می‌دادند و آنها از ستم مشرکان به پیامبر ﷺ شکایت کردند. پیامبر ﷺ آنها را به صبر فرا خواندند و فرمودند که هنوز اجازه جنگ ندارند. این وضعیت ادامه داشت تا این که ایشان به مدینه مهاجرت کردند و آیه یادشده اجازه جنگ را صادر کرد. این خبر، ماجرای ستم مشرکان مکه را گزارش کرده و سپس به ماجرای نزول آیه مورد بحث در مدینه اشاره می‌کند. بنابراین میان ماجرای روی داده و نزول آیه، فاصله زمانی زیادی بوده است. وجود این فاصله زمانی، مانع از آن است که ماجرای ستم مشرکان، سبب نزول برای آیه مذکور باشد.

بنابراین خبر یادشده افزون بر ضعف سندی، قابلیت لازم برای سبب نزول بودن ندارد. این خبر، گزارشی تفسیری درباره آیه است و نزول جداگانه را ثابت نمی‌کند. اخبار دیگری هم به عنوان سبب نزول آیه یادشده نقل شده‌اند ^{٦٧} و همین موضوع نشان‌دهنده اجتهادی بودن یا تفسیری و تطبیقی بودن این اخبار است.

٦٥. مفسرانی که برای نخستین بار، این روایت را گزارش کرده‌اند، عبارتند از: الکشف و البیان، ج ٧، ص ٢٥؛ تفسیر البغوی، ج ٣، ص ٣٤٣؛ زاد المسیر، ج ٣، ص ٢٤٠.

٦٦. مفسران می‌گویند: مشرکان مکه، اصحاب پیامبر ﷺ را آزار می‌دادند و اینها همیشه کتک‌خورده و یا زخمی بازمی‌گشتند تا اینکه شکایت نزد رسول خدا بردند. پیامبر ﷺ به آنها فرمود: صبر کنید که من به جن فرمان داده نشدم. تا اینکه پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کردند و این آیه نازل شد: «أُذِنَ لِلَّذِينَ...» (اسباب النزول، ص ٣١٨)

٦٧. ن. کد همان.

با توجه به آن چه گذشت، دلیل کافی بر نزول پراکنده سوره حج وجود ندارد. ناکافی بودن موانع وحدت نزول سوره حج، امکان ثابت‌شده را وقوعی می‌سازد و این نتیجه را در پی دارد که سوره حج دارای وحدت نزول است.

نتیجه

نظریه نزول سوره‌های با آیات ناظر به کیفیت نزول تدریجی قرآن تناسب دارد. چنان که با برخی روایات دال بر کیفیت نزول سور نیز تناسب دارد. این نظریه با معنای لغوی و اصطلاحی «سوره» هماهنگ است. چنان که با اصول عرفی محاوره و نظریه هدف‌مندی سور نیز هماهنگی دارد. نظریه نزول سوره‌های، نزول سوره به سوره را اصلی‌ترین شکل نزول تدریجی قرآن می‌داند. این نظریه، دانش تفسیر را به سمت نگاه سوره‌های به جای نگاه آیه‌ای سوق می‌دهد. اخبار دال بر نزول پراکنده سوره حج، غالباً اخبار اجتهادی یا تفسیری بوده و دلالت بر نزول پراکنده این سوره ندارند. وحدت سیاق لفظی و پیوستگی آیات سوره حج نشان از نزول یکباره آن می‌دهد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت، دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۲۱ق.
۳. الاسباب فی التفسیر، سعید حوئی، قاهره، دار السلام، ششم، ۱۴۲۴ق.
۴. اسباب النزول القرآنی، غازی عنایه، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ق.
۵. اسباب النزول، علی واحدی نیشابوری، تحقیق محمد علی بیضون، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۱ق.
۶. اعراب القرآن الکریم و بیانہ، محمد درویش، حمص، الارشاد، ۱۴۱۵ق.
۷. البرهان فی علوم القرآن، محمد زرکشی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۸. پژوهشی در مصحف امام علی علیه السلام، جعفر نکونام، رشت، کتاب مبین، اول، ۱۳۸۲ش.
۹. تاج اللغه و صحاح العربیه، اسماعیل جوهری، تحقیق احمد عبد الغفور عطّار، قاهره، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۰. تاریخ یعقوبی، احمد یعقوبی، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۱۱. تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
۱۲. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول.
۱۳. التحریر و التنویر، محمد بن طاهر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التّاریخ العربی، اول، ۱۴۲۰ق.
۱۴. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، بنیاد بعثت، سوم، ۱۳۷۷ش.
۱۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، قم، التمهید، اول، ۱۳۸۷ش.

١٦. التفسير الواضح، محمد حجازي، بيروت، دار الجيل الجديد، ١٤١٣ق.
١٧. تفسير من وحى القرآن، سيد محمد حسين فضل الله، بيروت، دار الملك، أول، ١٤١٩ق.
١٨. تفسير نمونه، ناصر مكارم شيرازي و همكاران، تهران، دار الكتب الاسلامية، دهم، ١٣٧١ش.
١٩. التمهيد في علوم القرآن، محمد هادي معرفت، قم، جامعه مدرسين، ١٤١٥ق.
٢٠. جامع البيان في تفسير آي القرآن، محمد بن جرير طبري، بيروت، دار المعرفة، أول، ١٤١٢ق.
٢١. الجدول في اعراب القرآن، محمود صافي، دمشق، دار الرشيد، ١٤١٨ق.
٢٢. الجديد في تفسير القرآن المجيد، محمد سبزواري، بيروت، دار التعارف، أول، ١٤٠٦ق.
٢٣. الجرح والتعديل، ابن ابي حاتم رازي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٧٢ق.
٢٤. حقايق مهم پيرامون قرآن، سيد جعفر عاملی، ترجمه سيد حسن اسلامي، قم، جامعه مدرسين، ١٣٧٧ش.
٢٥. الخصال، شيخ صدوق، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.
٢٦. الدر المنثور في التفسير بالمأثور، جلال الدين سيوطي، قم، كتابخانه آية الله مرعشي، ١٤٠٤ق.
٢٧. دلائل النبوة، احمد بيهقي، تحقيق عبد المعطي قلعي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٢٨. سنن ابي داود، ابوداود سجستاني، تحقيق سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر.
٢٩. سنن الترمذي، محمد ترمذي، تحقيق عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت، دار الفكر.
٣٠. صحيح البخاري، محمد بن اسماعيل بخاري، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق.
٣١. الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، بيروت، دار صادر.
٣٢. علوم قرآني، محمد هادي معرفت، قم، التمهيد، ١٣٨١ش.
٣٣. فهرست ابن النديم، محمد ابن نديم، تحقيق رضا تجدد، مصر، شهيد علي پاشا.
٣٤. في ظلال القرآن، سيد قطب، بيروت، دار الشروق، ١٤١٢ق.
٣٥. كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدي، تحقيق مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم، دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
٣٦. الكشف و البيان، احمد ثعلبي، بيروت، دار احياء التراث العربي، أول، ١٤٢٢ق.
٣٧. كنز العمال، علي متقي هندی، تحقيق بكرى حياني و صفوة السفا، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٣٨. لسان العرب، محمد ابن منظور، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق.
٣٩. مجمع البيان في تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسي، تهران، ناصر خسرو، سوم، ١٣٧٢ش.
٤٠. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين نوري طبرسي، بيروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٣٢٠ق.
٤١. المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله حاكم نيشابوري، بيروت، دار المعرفة.
٤٢. مسند احمد، احمد ابن حنبل، بيروت، دار صادر.
٤٣. معرفة الثقات، احمد عجلي، مدينه، مكتبة الدار، ١٤٠٥ق.
٤٤. من هدى القرآن، سيد محمد تقى مدرسى، تهران، دار محبتي الحسين، أول، ١٤١٩ق.
٤٥. مواهب الرحمن في تفسير القرآن، مرتضى مستنبط غروي، آذربايجان، شركت سهامی چاپ، أول، ١٣٨١ق.
٤٦. الميزان في تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائي، بيروت، اعلمي، دوم، ١٣٩٠ق.

۴۷. النَّاسِخُ وَ الْمُنْسُوخُ فِي الْقُرْآنِ، مُحَمَّدٌ نَحَاسٌ، بیروت، موسَّسة الکتب الثقافیة، دوم.
۴۸. النکت و العیون، علی ماوردی، بیروت، دار الکتب العلمیة، اوّل.
۴۹. الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، علی واحدی، بیروت، دار القلم، اوّل، ۱۴۱۵ق.
۵۰. الهدایة الی بلوغ النّهایة، مکی ابن حموش، شارجه، جامعة الشارقة، ۱۴۲۹ق.
۵۱. مقاله افسانه غرانیق، منصوره سادات حسینی طباطبایی، صراط، ش ۱۱، زمستان ۱۳۹۲ش.
۵۲. مقاله انسجام قرآن رهیافت «فراهی - اصلاحی» در تفسیر، سید علی آقایی، کتاب ماه دین، ش ۱۴۴، مهر ۱۳۸۸ش.
۵۳. مقاله تاریخ و رجال افسانه غرانیق، سید جعفر شهیدی، میقات حج، ش ۲۴، تابستان ۱۳۷۷ش.
۵۴. مقاله تأملی در افسانه غرانیق و نگاه مرحوم آیه الله معرفت به این موضوع، محمد علی سلطانی، الهیات و حقوق، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۶ش.
۵۵. مقاله توطئه غرانیق و ابعاد آن، جعفر تابان، انسان پژوهی دینی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۳ش.
۵۶. مقاله نکات جالبی از تاریخ اسلام (افسانه غرانیق یا افترا بر توحید)، جعفر سبحانی تبریزی، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهارم، ش ۵، خرداد ۱۳۴۱ش.
۵۷. مقاله نگاهی به چگونگی نزول سوره‌های قرآن کریم، محمد خامه‌گر، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۲۲، ش ۸۵، زمستان ۱۳۹۶ش.
۵۸. پایان‌نامه بررسی مبانی روش‌ها و فواید کشف فضای نزول سور و تطبیق آن در دو سوره حج و عادیات، جواد سلمان‌زاده، کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر عباس اسماعیلی‌زاده و مشاوره دکتر غلام‌رضا رئیسیان، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۱ش.
۵۹. پایگاه الکترونیکی اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های ایران، (۹۷/۶/۱)، lib.ir.
۶۰. پایگاه الکترونیکی ایرانداک (۹۷/۶/۱)، irandoc.ac.ir.
۶۱. پایگاه الکترونیکی مجلات تخصصی نور، (۹۷/۶/۱)، noormags.ir.